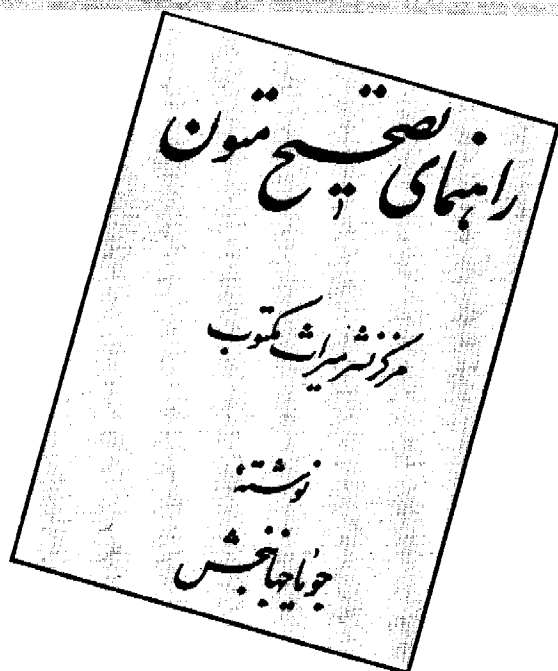


گزارشی از کتاب

«راهنمای تصحیح متون»

علی اکبر احمدی دارانی



راهنمای تصحیح متون. جویا جهانبخش، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۸، ۱۰۶ص.

تصحیح و ویرایش نسخه های خطی، یکی از بنیادی ترین و فنی ترین کارها در عرصه پژوهش های ادبی است. چند دهه بیشتر از روایی شیوه های علمی و انتقادی در تصحیح نسخه های خطی بر ما نگذشته است و با وجود کوشش های بسیاری که در این زمینه انجام شده است، باید اعتراف کنیم که هنوز در اول راه هستیم. گذشته از دستنوشته هایی که هم اکنون در گوشه کتابخانه ها خاک اندود شده اند، امروزه حتی لزوم بازنگری را در تصحیح هایی که توسط بزرگانی که خود از اولین رواج دهندگان شیوه های علمی در تصحیح متون بوده اند، احساس می کنیم. از جمله علت های این امر به دست آمدن نسخه یا نسخه های بهتر، ارائه نشدن این تصحیح ها با چاپ های پاکیزه و بی غلط و روشمند نبودن کار تصحیح است. نبود یک شیوه نامه و راهنمای مکتوب در این زمینه که آن هم به علت نوبی تصحیح انتقادی است، بسیاری از متون مصحح را نیازمند بازخوانی و تصحیح مجدد گردانیده است. آنچه از روش ها و شیوه ها در بین گذشتگان و معاصران رواج داشته و دارد، در اثر جستجو و تعمق در نسخه های خطی تصحیح شده و یا سخنان شفاهی استادان فن و یا احتمالاً از مقاله یا مکتوبی بوده که در این زمینه یافت می شده و می شود.^۱

به تازگی کتابی با نام «راهنمای تصحیح متون» توسط جناب آقای جویا جهانبخش و به سفارش مرکز نشر میراث مکتوب - که چند سالی است تصحیح و انتشار دستنوشته های فارسی و عربی را وجهه همت خود گردانیده است - نگاشته و روانه بازار شده است. پیشتر اقدام بسیار با ارزش جناب آقای نجیب مایل هروی



کار» است. مصححان پس از مطالعه و جستجو در دستنوشته های یک کتاب از روش های زیر یکی را برای تصحیح متن برمی گزینند:

۱. تصحیح بر مبنای نسخه اساس؛

۲. تصحیح التقاطی؛

۳. تصحیح به شیوه بینابین؛

۴. تصحیح قیاسی.

اگر تصحیحی بر اساس روش اول انجام گیرد، حاصل کار به مراتب استوارتر از دیگر روش ها است. در «راهنمای تصحیح متون» این چهار روش به سادگی برای خواننده شرح داده شده است. (ص ۲۹-۳۳)

«سیر فرایند تصحیح» از دیگر بخش های این کتاب «راهنما» است. در این بخش، مؤلف سیر یک متن را از آغاز فرایند تصحیح تا نشر به هفت مرحله تقسیم کرده است. در اینجا بیشتر توجه به مقابله کردن دستنوشته ها و دقت بسیار در این کار و «داوری میان اساس و اختلاف نسخ و دست یافتن به ضبط نص» و همچنین «یافتن مأخذ و مصادر اقوال و نقل ها و تنظیم یادداشت ها و تعلیقات مصحح» و «نگارش مقدمه و ویرایش نهایی» است.

برای قرائت صحیح و تنظیم متنی منقح باید به نکته های خاصی توجه کرد؛ از جمله توجه بسیار و دقیق به «رموز» و کونه نبشته ها است که بنا بر سنت نسخه نویسی در میان گذشتگان رایج بوده است. مؤلف «راهنمای تصحیح متون» بیش از شصت نمونه از این «رموز» را به همراه برابرها آنها آورده است که بسیار کارگشا است. (ص ۳۸-۴۲)

یکی از اولین و مهم ترین پرسش هایی که در هنگام بازنویسی دستنوشته ها ذهن مصحح را به خود مشغول می کند، چگونگی رسم الخط یا شیوه نگارش متن است: آیا باید بعینه شیوه نگارش و رسم الخط نسخ را ملاک کار قرار بدهد؟ یا در یکسان سازی و «امروزی» کردن نوشته ها بکوشد؟ در این مرحله نیز مصحح در معرض لغزش و انحراف قرار دارد. چون ممکن است با تغییری جزئی در نقطه گذاری ها و املائی کلمات، خود و دیگران را از رسیدن به متنی صحیح محروم سازد. به همین خاطر مصحح آگاه باید بین گونه های زبانی^۳ و شیوه نگارش گذشتگان تفاوت

را به صورت کتابی مفصل با عنوان «نقد و تصحیح متون» (مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی-فارسی) رؤیت کرده بودیم. جناب آقای جو یا جهان بخش نیز در همین راستا کتابی راهنما، در قالب چند مقاله کوتاه نگاشته اند و راهکارهایی را در امر تصحیح ارائه کرده اند. ایشان پس از «درآمد»ی کوتاه راجع به زمینه تحقیق و علت نگارش این کتاب، «چستی نقد و تصحیح متون» را شرح داده و سپس «عناصر اصلی فرایند تصحیح متن» را به (I) مواد و منابع (II) شایستگی و اهلیت مصحح (/متنقد) (III) شیوه و روش استدلالی کار، بخشبندی نموده اند.

مواد و منابع، در تصحیح متون ابتدا شامل دستنوشته ها و سپس شامل کتاب های تذکره، لغت و دیگر منابع جانبی است. برای تعیین ارزش یک نسخه که از دغدغه های اصلی مصححان است، باید سه عامل «قدمت»، «صحت» و «اصالت و استقلال» مورد توجه مصحح هوشیار و باریک بین قرار بگیرد. وی باید با توجه به قرائتی، این سه عنصر تعیین کننده را تشخیص دهد؛ و گرنه در اولین گام های تحقیق لغزیده است.

عنصر دیگر فرایند تصحیح متن «شایستگی و اهلیت مصحح» است. بسیاری دستنوشته هایی که عنوان «تصحیح» همراه خود دارند، اما به علت عدم صلاحیت مصحح آنها قابل اعتماد و ارجاع نیستند. به تعبیر نگارنده محترم «راهنمای تصحیح متون» مصحح باید آگاهی های تاریخی، رجالی و کتابشناختی و اطلاع از سنن کتاب ورزی را کسب کرده باشد. «کتاب ورزی همه فعالیت هایی است که حول کتاب انجام می پذیرد: تصنیف، ترجمه، استنساخ، صحافی، تحشیه، ردیه نویسی، نگاهداری، ... و حتی اهدا یا خرید و فروش کتاب». (ص ۲۸)

به هر روی مصحح «اهلیتمند» مصححی است که آگاهی های گسترده و عمیق از جنبه های گوناگون کارش داشته باشد؛ چراکه تصحیح نسخ فقط به معنای بازنویسی و تحریر امروزی حروف دستنوشته های قدیم نیست؛ بلکه مصحح با مجموعه ای از یک فرهنگ گسترده رایج در گذشته روبه روست که باید از آن به برداشتی درست رسیده باشد.

سومین عنصر اصلی فرایند تصحیح «شیوه و روش استدلالی

۱. بنگرید به: نقد و تصحیح متون، تألیف نجیب مایل هروی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۴۲.

۲. پیروی از رسم الخط و شیوه نگارش نسخه های متعدد یک کتاب، مصحح را سرگردان خواهد کرد؛ چراکه در بین نسخه ها نیز تفاوت رسم الخط و شیوه نگارش مشهود است.

۳. بنگرید به: نقد و تصحیح متون، ص ۱۶۰-۱۷۲.

میان آورده و مزیت های هر کدام را بر شمرده است. (ص ۵۱-۵۲) در ادامه به مواردی چون چگونگی ضبط نسخه بدل ها و دیگرسانی ها و ساماندهی و رمزگذاری نسخ با حروف فارسی یا لاتین و به کار بردن نقطه گذاری و علامت های سجاوندی در متن به اندازه کافی و در جهت قرائت بهتر و نه انباشتن آن از این گونه علائم و کاربرد برخی از این نشانه ها، اشاره می گردد. (ص ۵۳-۶۴)

پس از پشت سر گذاشتن این مراحل و رعایت «هزار نکته باریک تر ز مو» مصحح، نوشته ای به نسبت کامل از کتاب مورد نظر در دست دارد. اکنون نوبت به «نگارش مقدمه و حواشی و تعلیقات متن مصحح» می رسد. در اینجا است که مصحح با استفاده از قرائن و شواهد و منابع جانبی، بررسی روزگار نویسنده و اثر وی و ارزیابی خویش از «گزارد رسالت» نویسنده را به همراه شیوه تصحیح و معرفی نسخه ها و ویژگی های سبکی بر عهده دارد. در جایی که شک و شبهه ای در میان است «صحت انتساب» اثر را به نویسنده با دلایل منطقی و پذیرفتنی ارائه می کند و در تعلیقات و پیوست های آخر کتاب به روشن کردن ابهامات و شرح اعلام و جای ها و واژه ها و ... و فهرست ها و نمایه های مختلف - البته با توجه به زمینه موضوعی کتاب و بهره هایی که از آن می توان برد- می پردازد.

بخش بعدی «راهنمای تصحیح متون» ویژه دانستنی ها و ریزه کاری های «تنظیم فهرست ها و استدرک ها» است. بازسازی متونی که امروزه به صورت جداگانه وجود ندارند و بخش هایی از آنها در متن های دیگر داخل شده است، از کارهای دیگر در حوزه تصحیح است که با عنوان «بازسازی متون مفقود» از آن نام برده شده است. (ص ۷۷-۷۹)

مصححی که تمام مراحل پیشگفته و جز آن را با دقت و وسواس پیموده است، اکنون متنی در دست دارد که بسیار نزدیک به آن نوشته ای است که از خامه نگارنده کتاب در چند دهه یا سده پیش تراویده است و پیوست هایی در اول و آخر کتاب افزوده که بر اساس مدارک و شواهد متقن و مستدل نگاشته شده اند و هدف تصحیح متون نیز همین است. حال اگر قرار باشد این متن به صورت چاپی در اختیار خوانندگان و خوانندگان این متون قرار بگیرد، به گونه ای کار از نو آغاز می شود؛ زیرا کوچک ترین لغزش در حروفچینی آن همه دقت و وسواس مصحح را بر باد خواهد داد. برخی از «مواضع خطاخیز در حروفچینی» از دیگر بخش های آگاه کننده این کتاب راهنما است. (ص ۸۱-۸۲)

بخش آخر «راهنمای تصحیح متون» ویژه «املاهای امروزی»

ببندد. در «راهنمای تصحیح متون» اشکال «آنچ»، «آنک» و ... جزو تفاوت رسم الخطی گذشته با امروز به حساب نیامده اند؛ بلکه «یک صورت زبانی مستقل» فرض شده اند و نیز اهمیت بازنویسی دقیق کلمه های «مشکول» دستنوشته های «قدیم تر از سده نهم» یادآوری شده است. (ص ۴۲-۴۴)

در امر تصحیح، مصحح با «نادرستی ها و پریشانی ها» بی چون تصحیف و تحریف، سقط و فروافتادگی و زیادت و تکرار، تقدیم و تأخیر، خطای دستوری، خطای املائی که عارض نسخه ها شده دست به گریبان است که باید چهره نادلپذیر آنها را از متن بزداید.

مؤلف محترم به نکته ای ارزشمند برای ضبط های آسان شده برخی از دستنوشته ها، اشاره کرده است:

استقصا در نسخه های خطی فارسی و عربی و تجربه تصحیح این متون نشان داده که ضبط های آسان شده، نوعاً به نسخه های متأخر و مغلوپ تعلق دارند و یکی از علل اصلی تصرف کاتبان و خوانندگان در متن، دشواری (زبانی یا ...) ضبط ها بوده است. به عبارت دیگر، منطق تصرف کاتب، مبتنی بر تبدیل مشکل به آسان است. از این رو، یکی از قواعد کلی کار تصحیح، ترجیح وجوه دشوار بر آسان می باشد که ضبط دشوارتر ترجیح است. البته این قاعده مطلق نیست و نمی توان همیشه وجوه (/ ضبط های) دشوار را ترجیح داد. بی تردید برخی دشواری ها، ناشی از فساد ضبط هستند و همین جا است که نقش قوه اجتهاد مصحح و دانش «ضبط پژوهشی» او - در تمیز دشوار اصیل یا راهنما به اصیل، از دشوار فاسد - روشن می گردد. (ص ۴۹)

در آیه های قرآنی مصحح آزاد است که با توجه به روایت های گوناگون قرآن، اشتباهات و لغزش های کاتب یا کاتبان را از متن رفع نماید؛ اما در مورد حدیث ها و روایت ها و امثال و حکم، وی مجبور است با در نظر گرفتن اختلافات در این موارد، فقط به آنچه در دستنوشته ها ضبط شده، اعتماد کند و «دیگرسانی های متن را با مآخذ معتبر، در حاشیه یا تعلیقه گزارش» کند.

مؤلف در این بین از دوروش شنیداری و دیداری که در امر مقابله و سنجش دستنوشته ها به کار گرفته می شوند، سخن به



شیوه گذشتگان در دست داریم که از آن می‌توانیم به روایی تصحیح‌متون در بین گذشتگان حکم کنیم. آیا اگر امروز براساس همان فنون تصحیح گذشتگان که از آن آگاهی‌هایی داریم، تصحیحی ارائه شود، پذیرفتنی و قابل ارجاع خواهد بود؟ در پایان کتاب «نقد و تصحیح متون» جناب مایل هروی از «استنساخ و تصحیح نسخه‌های خطی به روایت ابن‌جماعه»^۴ و «عبداللطیف عباسی و اهتمام او در تصحیح متون فارسی»^۵ سخن به میان آمده است. مراجعه به این دو نمونه معروف کافی است که به کلی بودن روش گذشتگان در وادی تصحیح پی ببریم. «اشارات زیادی در نگارش‌های فارسی و عربی هست که حاکی از توجه گذشتگان به تصحیح نسخه‌های خطی است؛ هر چند که تصحیح متون را به عنوان یک فن و به صورت انتقادی آن به نزد آنان توجیه نمی‌کند».^۶

«گذشتگان، برای ما و خاورشناسان نکته‌ای باقی نگذاشته‌اند که بواقع بشود به دنیای تحقیق متون افزود» سخنی نادلپذیر است؛ چراکه نگاهی متأملانه به سیر تاریخی تصحیح متون نشان خواهد داد که با گذشت زمان بر «نکته»‌های «دنیای تحقیق متون» افزوده شده است و باب اجتهاد و تحقیق و نوآوری با رعایت پایبندی به اصول هیچ‌گاه بسته نبوده نخواهد بود.

در ص ۱۴ تعریفی برای نقد و تصحیح متون از کتاب جناب مایل هروی ص ۲۷۰ آورده‌اند که ذکر مرجع آن در پاورقی افتاده است.

در ص ۴۵ تصحیف و تحریف، این‌گونه تعریف شده است: «گروهی تصحیف را منحصر به زیادت و نقصان حروف (یا اجزای آنها)، و تحریف را بسته به تغییر شکل کلی حرفی به شکل حرف دیگر دانسته‌اند». این تعریف تا حدی مبهم است. بهتر بود همان تعریف جناب مسایل هروی را نقل می‌کردند: «[تصحیف] عبارات است از تغییر دادن کلمه با کاستن و افزودن نقطه‌های آن و [تحریف] تبدیل کردن کلمه است با تغییر دادن حرفی از حرف‌های آن». (ص ۸۰-۸۱)

در ص ۴۶ به بعد در بحث از «نادرستی‌ها و پریشانی‌ها» بی‌چون سقط و فروافتادگی، زیادت و تکرار، تقدیم و تأخیر و... تنها به نمونه‌هایی از زبان عربی بسنده شده است که بهتر بود برای تنمیم فایده‌نمونه‌هایی هم از زبان فارسی آورده می‌شد.

○

فارسی است. (ص ۸۳-۱۰۰) که بنا بر نوشته مؤلف به درخواست مرکز نشر میراث مکتوب نگاشته شده است. مؤلف در این بخش راهی میانه و معتدلانه در پیش گرفته و با توجه به جوانب گوناگون شیوه‌ای برای املا «امروزینه» نسخ خطی ارائه نموده است؛ با ذکر این نکته در اول که روزآمد کردن شیوه نگارش متون به هیچ وجه نباید باعث تصرفی در اسلوب زبانی و بیانی متن شود و «آرایه‌های ادبی» وابسته به سنت رسم الخط نیز از هر تغییر و تصرف در امان بماند.

مؤلف محترم کتاب «راهنمای تصحیح متون» با مطالعه و تعمق در مراجع و نسخه‌های خطی گوناگون کوشیده است، کتابی مختصر و کارآمد برای یادآوری برخی از نکته‌ها به مصححان و آگاهی بخشیدن به دانشجویان که خواهان چنین مطالبی هستند، فراهم آورده است. ضمن آرزوی موفقیت برای نگارنده جوان، جويا و پویای این کتاب یادآوری چند نکته در پایان خالی از فایده‌ای نخواهد بود.

در بخش آغازین کتاب که عنوان «درآمد» بر خود دارد، از تاریخ شیوه تصحیح در میان مسلمانان تحلیلی به این صورت ارائه گردیده:

اگرچه برخی معاصران ما، به تصریح، شیوه پیشرفته امروزینه نقد و تصحیح متون را به باخت‌زمین منسوب داشته‌اند، در دست بودن هزاران نسخه کهن تصحیح شده در جهان اسلام و تفصیلات در باب آیین مقابله و تصحیح نسخ در متن‌های قدیم عربی و فارسی، تردیدی باقی نمی‌گذارد که فن تصحیح متن نزد مسلمانان بسیار پیشرفته و در اوج رواج بوده و بیشترینه باریکی‌های موجود در شیوه غربی نقد و تصحیح متون، در میان مسلمانان - احياناً در جامه‌ای و به تعبیری دیگرگون - وجود داشته است. دکتر شوقی ضیف در البحت الأدبی بامثال آوردن تصحیح شرف‌الدین ابو‌حسین علی یونینی از حدیثنامه بخاری، نوشته است: «گذشتگان، برای ما و خاورشناسان نکته‌ای باقی نگذاشته‌اند که بواقع بشود به دنیای تحقیق متون افزود». (ص ۹)

تصحیح در میان مسلمانان نه چندان «در اوج رواج بوده» و نه «باریکی‌های موجود در شیوه غربی نقد و تصحیح متون» در میان آنها رواج داشته است. مگر چند کتاب تصحیح شده براساس

۴. همان، ص ۳۶۰-۳۷۴.

۵. همان، ص ۳۷۴-۳۸۲.

۶. همان، ص ۲۲۲.